

ترتیب حوادث و رویدادهای ظهور امام مهدی منتظر (عج)

دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۱۰ تأیید: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰ احمدحسین یعقوب

ترجمه: عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی^(۱)

چکیده

«احمد حسین یعقوب» (۱۳۵۸-۱۴۲۸ هـ) دانشمند و نویسنده اردنی در کتاب «حقیقة الاعتقاد بالإمام المهدی المنتظر» در صدد ارائه تصویری از انقلاب مهدی علیه السلام بر اساس احادیث منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت پیامبر علیهم السلام است؛ به گونه‌ای که سیر حوادث قیام را از ابتدا تا انتها نشان دهد. به عبارت دیگر او در این کتاب به دنبال کشف تسلسل حوادث و حلقه‌های وقایع عصر ظهور و چگونگی ختم آنها به صورت منطقی و طبیعی، به تحقق دولت آل محمد صلی الله علیه و آله و حکومت مهدوی می‌باشد. وی در فصل هفتم از باب پنجم این کتاب برای قیام مهدی هشت مرحله تصویر می‌کند: ۱. انتشار اعتقاد به امام مهدی و پذیرش آن از سوی مسلمانان، ۲. ظهور نادرستی و نارسایی مکاتب و شیوه‌های حکومتی، ۳. آشکاز شدن نشانه‌های ظهور، ۴. یاوران ممتاز در خدمت امام، ۵. ظهور سفیانی، ۶. بیعت یاران مهدی و ظهور آن حضرت، ۷. حرکت به سمت عراق و تأسیس پایگاه عملیاتی و انتخاب کوفه به عنوان پایتخت، ۸. پایگاه علیای امام مهدی و فرماندهی نظامی آن حضرت.

ذیل مرحله اخیر به این مباحث می‌پردازد: سرنوشت قیام سفیانی؛ تلاش امام مهدی برای اجتناب از مواجهه با غرب و ناگزیری از رویارویی نظامی با آنها؛ نبرد هولناک میان امام مهدی و اهل روم و ترک و یهود؛ و فرود آمدن مسیح به زمین. مقاله حاضر ترجمه‌ای از این فصل است.

واژگان کلیدی: امام مهدی، مراحل ظهور، خسف، سفیانی.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مقدمه

«احمد حسین یعقوب» در سال ۱۳۵۸ هـ.ق در شهر جرش کشور اردن در خانواده‌ای شافعی مذهب چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خود را در زادگاهش آغاز و سپس در کشورهای مصر، سوریه و لبنان تا مراحل عالی به ادامه تحصیل پرداخت و در مسائل گوناگونی همچون «مقام شهر داری»، «وکالت» و همچنین «امامت جمعه» فعالیت کرد.

هنگامی که وی برای دفاع از پایان‌نامه دانشگاهی خود به «بیر دست» سفر کرده بود، دست هدایت الهی کتابی را در دستان او قرار داد که مسیر حیات وی را دگرگون نمود. کتابی از نویسنده‌ای سنی مذهب درباره حادثه کربلا با نام «ابناء الرسول فی کربلا» اثر «خالد محمد خالد». اگر چه خالد در کتاب خود در تبرئه جانیان حماسه کربلا کوشیده بود ولی نام سیدالشهدا علیه السلام و عظمت قیام حضرتش آن چنان تأثیرگذار بود که راهی را در مقابل احمد حسین به سوی نور گشود و او را به سوی کشتی نجات رهنمون شد تا این که در کنار مصباح هدایت به آرامش رسید. با خواندن ماجرای کربلا اشک از چشمان احمد حسین جاری شد و انقلابی عاطفی در وی پدید آمد و این آغازی بود برای کنکاش فکری و مطالعات عمیق و دقی کتاب‌ها. وی منابع گوناگون را یکی پس از دیگری موشکافانه قرائت، بررسی و تحلیل نمود.

الشیعة بین الحقائق والأوهام اثر «مرحوم سید محسن امین علیه السلام» و المراجعات از «مرحوم سید شرف الدین علیه السلام» آغازی برای این حرکت فکری و سیر مطالعاتی بود؛ و آنگاه بازخوانی تاریخ بدون پیش فرض‌ها و تعصبات مذهبی. او تاریخ را از دریچه ناظری بی طرف به تماشا نشست تا بتواند به درستی درباره وقایع آن به قضاوت بنشیند.

پس از طی سیر و سلوک فکری خویش و دریافت حقیقت با خدای خویش پیمان بست که تا آخرین لحظات حیات خود جایگاه اهل بیت علیهم السلام را پاس داشته و دیگران را به حقیقتی که او بدان دست یافته بود رهنمون باشد و به راستی تا پایان بر این پیمان وفادار باقی ماند. روح پاک این نویسنده توانا و مدافع دلسوخته مکتب اهل بیت علیهم السلام در سحرگاه دوازدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۴۲۸ هـ.ق پس از سال‌ها تلاش خستگی‌ناپذیر در ترویج راه و رسم اهل بیت علیهم السلام و تبیین مظلومیت آنان و تحمل رنج‌ها و مشقات فراوان در این مسیر به سوی بهشت برین پرواز کرد تا میهمان خوان گسترده اولیای الهی باشد.

حاصل مجاهدات فکری و تلاش‌های فرهنگی او پدیداری کتاب‌ها و مقالاتی ارزشمند در حوزه دفاع از کیان عقیدتی تشیع و تبیین کژی‌ها و انحرافات اندیشه‌های مخالف با مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام بود. تنها در قالب کتاب نزدیک به بیست اثر گرانسنگ از وی به جا مانده است؛ از جمله: «النظام السياسي في الاسلام»، «نظریة عدالة الصحابة والمرجعية السياسية في الاسلام»، «المواجهة مع رسول الله وآله»، «كربلاء: الثورة والمأساة»، «أین سنّة رسول الله وماذا فعلوا بها؟»، «الهاشميون في الشريعة والتاريخ»، «حقیقة الاعتقاد بالإمام المهدي المنتظر». (ر.ک: سایت mahdimissin.com).

کتاب «حقیقة الاعتقاد بالإمام المهدي المنتظر» در صدد ارائه تصویری از انقلاب مهدی علیه‌السلام بر اساس احادیث به جا مانده از پیامبر اکرم و اهل بیت نبوت است؛ به گونه‌ای که سیر حوادث قیام را از ابتدا تا انتها نشان دهد. به عبارت دیگر او در این کتاب به دنبال کشف پاسخ این پرسش است که تسلسل حوادث و حلقه‌های وقایع در آن عصر چگونه بوده که به صورت منطقی و طبیعی، به تحقق دولت آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حکومت مهدوی منتهی می‌شود؟

نویسنده کتاب همراه با تواضع ادعا می‌کند که تحلیل و تصویری که از وقایع مربوط به انقلاب مهدی علیه‌السلام ارائه کرده با هر آنچه قبل از این گفته شده متفاوت است، و تلاش کرده با حفظ اصالت و امانت‌داری نسبت به منابع دینی و تاریخی، آنها را هماهنگ با روح عصر و با ادبیات امروزی به تصویر بکشاند (ر.ک: مقدمه کتاب).

کتاب، مشتمل بر مقدمه و پنج باب است. باب اول به آنچه در طول تاریخ بر اسلام گذشته و سبب غربت اسلام و آمادگی برای ظهور مهدی منتظر شده می‌پردازد. در باب دوم عقیده مهدویت در قرآن و سنت تبیین شده است. باب سوم، مبانی شرعی نظریه مهدی منتظر در اسلام را شرح می‌دهد. در باب چهارم هویت مهدی و علائم ظهور به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. باب پنجم با عنوان «انصار و اعوان مهدی و شیوه حکومتی او» دارای هشت فصل است. آنچه در ادامه تقدیم می‌شود، ترجمه فصل هفتم این باب است با عنوان: «ترتیب حوادث و رویدادهای ظهور امام مهدی منتظر».

لازم به ذکر است که منبع احادیث مورد استناد مؤلف کتاب در این فصل، عمدتاً کتاب

ترتیب حوادث و رویدادهای ظهور امام مهدی منتظر (عج) کلام تنبلی ۱۴۵

«معجم احادیث الإمام المهدی» (نشر مؤسسه معارف اسلامی، تحت اشراف استاد علی کورانی) است.

ترتیب حوادث و رویدادها

هر چند ظهور امام مهدی علیه السلام همانند وقوع قیامت به صورت دفعی و ناگهانی است اما این ظهور، قطعاً مسبوق به سلسله‌ای از وقایع و حوادث است که ظهور آن حضرت را خواه ناخواه به دنبال داشته و به آن منتهی می‌شود، و در حقیقت، ظهور تام امام مهدی علیه السلام عبارت است از اوج وقایع و حوادث برنامه‌ریزی شده‌ای که مطابق طرح و برنامه‌ای الهی به جلو می‌رود، برنامه‌ای که در راستای سنت ابتلای الهی و دقیقاً منطبق بر آن است، و همه انسان‌های مکلف به آنچه اتفاق می‌افتد آگاهی یافته، و هر یک نقشی - مثبت یا منفی - در آن ایفا می‌کنند تا همین نقش، محک و معیاری برای ثواب یا عقاب آنها باشد.

باکاوش در احادیث نبوی مربوط به اندیشه مهدویت آشکار می‌شود که حرکت ظهور، با عبور از چند مرحله متوالی استمرار پیدا می‌کند که ثمره نهایی این مراحل، ظهور عصر مهدوی است با همه برکات آن از قبیل: بی‌نیازی و آرامش و عدل و سازگاری و همدلی کامل.

مرحله اول: انتشار اعتقاد به امام مهدی و پذیرش آن از سوی مسلمانان

انتشار این اعتقاد را شخص پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر عهده گرفته‌اند. آن حضرت بشارت به امام مهدی منتظر داده و با تأکید تمام اعلام داشته‌اند: که ظهور، حتمی است، و امام مهدی علیه السلام جهان را پر از قسط و عدل می‌کند آن چنان که پر از ظلم و جور شده است، و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام پشت سر او نماز می‌خواند، و یکی از یاران و یاوران او است.

پیامبر صلی الله علیه و آله شخصاً بیان همه امور کلی و تفصیلی مرتبط با امام مهدی علیه السلام را عهده‌دار شده، و تأکید می‌کند که اینها اخباری غیبی است که خداوند در اختیار او قرار داده است. و به رغم مشکلاتی که برای احادیث نبوی ایجاد کردند، این اخبار شیوع پیدا کرد و میان مسلمین منتشر شد و به آن عقیده‌مند شدند، و یقین کردند که اینها اخباری غیبی و حتمی‌الوقوع هستند.

و گروهی از مسلمانان منور به نور ایمان، به رصد وقایع و حوادث مراحل ظهور می‌نشینند؛ با این امید و آرزو که این فرصت را بیابند که در زمره باران امام مهدی علیه السلام قرار گرفته، و در ایجاد و تحقق عصر طلایی مهدوی نقشی بر عهده گیرند؛ یعنی تنها رؤیت عصر مهدوی را آرزو نکردند بلکه تلاش کردند تا زمینه ظهور را فراهم کرده و به شرف مشارکت در این برنامه الهی نائل گردند، و از پاداش الهی برخوردار شده، و از عواقب بی‌اعتنایی و ترک مشارکت در تحقق عصر مهدوی مصون بمانند، و از حوادث تاریخی تجربی بیاموزند؛ زیرا برای انسان مؤمن شایسته نیست که در قبال حوادث، موضعی منفعلانه و همراه با ترش داشته باشد، بلکه لازم است که در هر حادثه‌ای نقشی فعال - سلبی یا ایجابی - داشته باشد.

و (باید دانست که) امام مهدی منتظر، امامی است الهی که خداوند او را برگزیده، و بر مؤمنان واجب است که خود را تحت فرمان او قرار داده و رهبری او را پذیرا باشند، و آن‌گونه باشند که او می‌خواهد.

مرحله دوم: ظهور نادرستی و نارسایی مکاتب و شیوه‌های حکومتی

قبل از آن که امام مهدی ظهور کند به بشریت این فرصت داده می‌شود که همه عقاید و مکاتب، و حکومت‌های برآمده از آنها را تجربه کند، و به حاکمیت حاکمانی از هر جنس و نوع تن دهد، تا سستی و پوکی و عجز همه این عقاید و مکاتب ساختگی و حاکمیت‌های برآمده از آنها را به صورت محسوس و مثل صحنه‌های نمایشی که آرام در پی هم می‌آیند دریابد، و بدین ترتیب بعد از این همه تجربه و تحمل رنج و سختی، با تمام وجود به عدم شایستگی آنها در تحقق عدل و رفاه همگانی اقرار و اعتراف کند، و به این پرسش برسد که: آیا خداوند برای این امر نظریه‌ای ندارد؟! آیا خداوند مدل حکومتی برای بشر ندارد؟! آیا خداوند اولیایی ندارد که بتوانند بر بشریت حکمرانی کنند؟!

جامعه انسانی اوضاع و شرایط را ارزیابی کرده و می‌سنجد، و می‌بیند که زمین از ظلم و جور انباشته شده، و همه راهکارهای بشری برای نجات از این وضعیت به صورت شتابنده و سریع بن‌بست رسیده و کارآیی خود را از دست داده‌اند، و ادامه زندگی با این وضعیت ممکن نیست، و جز مهدی علیه السلام کسی نیست که بشریت را نجات دهد. در چنین وقتی است که زمینه

روحی و فضای عمومی برای ظهور امام مهدی علیه السلام و درک ارزش و اهمیت و جایگاه او، و نمایاندن او به عنوان تنها منجی عالم، و آشنا شدن با او بر اساس این جایگاه مهیّا می شود.

مرحله سوم: آشکار شدن نشانه‌های ظهور

رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان را در وضعیتی مبهم و پیچیده نگذاشته است، بلکه تمام امور مرتبط با امام مهدی علیه السلام و حکومت مهدوی را به نحو کامل بیان، و با دقت توصیف کرده، و بر وجود علاماتی پیش از ظهور امام مهدی، و علاماتی همزمان با ظهور تأکید کرده است که به صورت پی در پی ظاهر خواهند شد و با تکمیل این حوادث، شمس وجود آن حضرت طلوع کرده و همچون ستاره درخشان و تابناک برای عالمیان ظاهر می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله این علامات را به صورت علمی و دقیق توصیف کرده که عوام و خواص آن را می فهمند به گونه‌ای که اگر ظهور آغاز گردد بر احدی مخفی نمی ماند، که در مباحث پیشین فصل مستقلی را به بیان علامات ظهور اختصاص دادیم.

این علامات بعد از آن آغاز می شود که اهل عالم یقین پیدا کرده و به صراحت یا به صورت ضمنی پوشالی بودن همه مکاتب ساختگی و شیوه‌های حکومتی برآمده از آنها و عدم صلاحیت این مکاتب برای تدبیر و اداره جامعه بشری اقرار کنند و متوجه شوند که ظلم و جوری که عالم را فرا گرفته ناشی از حاکمیت این مکاتب و حکومت‌ها است و مشکلات عالم با این وضعیت قابل حل نیست و مهدی منتظر تنها فرد شایسته‌ای است که می تواند زمین را بعد از این که ظلم و ستم در آن فراگیر شده، پر از عدل و قسط کند، و متوجه شوند که عدل الهی و حاکمیت الهی و رهبری اولیای الهی تنها راه برای برون رفت از این اوضاع است. در چنین شرایطی، علائم ظهور یکی پس از دیگری - به آن صورتی که در جای خود بیان کرده‌ایم - آشکار و به اتمام می رسد.

مرحله چهارم: یاوران ممتاز در خدمت امام

هنگامی که علامات ظهور یکی پس از دیگری آشکار می شوند و اهل عالم غرق در سختی‌ها شده، و بلا و مصیبت‌ها شدت می گیرد، و برای مردم آشکار می شود که تنها راه حل

و یگانه مصلح جهان امام مهدی است، از میان مسلمانان افرادی برمی خیزند که بیشتر از دیگران بلاها را احساس کرده و مشتاق رهایی هستند و ایمانشان به آن حضرت بیشتر، و به قدرت فوق العاده او بر تغییر وضع عالم اطمینان بیشتر داشته، و - بالاتر از همه اینها - در اوج معرفت و اخلاص قرار دارند. این جماعت، در طلب امام مهدی علیه السلام برآمده و او را جست و جو می کنند در حالی که از حال همدیگر خبر نداشته و یکدیگر را نمی شناسند. و در ساعتی مبارک این جماعتی که از سرزمین های مختلف و بدون قرار قبلی گرد هم آمده اند، در مکانی اطراف کعبه مشرفه، بین رکن و مقام، یا بین زمزم و مقام ابراهیم، با مهدی منتظر روبرو می گردند، و همدیگر را شناخته و همگی، امام مهدی را شناخته و به او رو کرده و خود را تحت اختیار او قرار می دهند. احادیث متواتر نبوی بر این نکته تأکید دارد که تعداد این جماعت از سیصد و اندی - بین ۳۱۳ تا ۳۱۹ نفر - تجاوز نمی کند، و این عدد برابر با تعدادی است که در جنگ بدر همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در آن معرکه سخت و دشوار حاضر شدند، که در ضمن بحث از اصحاب و یاوران مهدی به محل زندگی و تعداد و اوصاف آنها به شیوه ای علمی و مستدل پرداخته ایم.

در آن وضعیت، جماعتی از مؤمنان حوادث را رصد کرده و علامات ظهور را پی گیری می کنند و یقین پیدا می کنند که امام مهدی برای ظهور آماده شده و نیازمند یار و یاور است، و از این رو توان خود برای حمایت از آن حضرت را بالا برده و خود را برای خروج و جست و جوی امام منتظر آماده می کنند تا به او دست یافته و جان خود را در اختیار او قرار داده و به شرف مصاحبت و مشارکت در عملیات بزرگ تغییر وضعیت عالم نائل شوند. آشکارترین نمونه های این دستجات کاروانی است با پرچم های سیاه که از ایران - یا مشرق - به سوی آن حضرت می آیند.

این جمعیت مؤمن - که هسته اولیه یاوران مهدی علیه السلام را تشکیل می دهند - بعد از تلاش و رنج بسیار، او را یافته و می شناسند و حضرت نیز آنها را شناسایی می کند. آنها خود را در اختیار حضرت قرار می دهند و امام علیه السلام آنها را قسم می دهد که تا پای مرگ از او جدا نشوند. آنگاه امام مهدی از آنها مطمئن شده و آنها هم از امام خود مطمئن می گردند. به این ترتیب، امام مهدی یقین می یابد که وقت ظهور فرا رسیده، و در انتظار فرمان الهی برای ظهور

می‌نشینند.

مرحله پنجم: ظهور سفیانی

پیامبر اعظم و امامان اهل بیت اطهار علیهم‌السلام تأکید کرده‌اند که ظهور سفیانی یکی از امور حتمی است، به طوری که گفته شده: مهدی بدون سفیانی، و سفیانی بدون مهدی وجود ندارد. بنابراین، ظهور سفیانی از آشکارترین و مشهورترین نشانه‌های ظهور امام مهدی است، و بلکه ظهور مهدی همزمان با عصر سفیانی خواهد بود (این مطلب را در فصل‌های پیشین به تفصیل بیان کرده‌ایم).

سفیانی فردی از نسل ابوسفیان است، که کینه اهل بیت پیامبر را در دل، و حکومت آنها را ناخوش داشته و فردی خبیث - و در عین حال - باهوش است. او حوادث را به دقت رصد کرده و پیش‌بینی می‌کند که امام هاشمی مهدی منتظر به زودی ظهور کرده و تلاش خواهد کرد که دولت اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام را برپا دارد، از این رو در صدد برمی‌آید که بر مهدی علیه‌السلام سبقت گرفته و دولتی اموی تشکیل دهد تا شرافت مهدویت را از اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام بگیرد چنان که نیاکان وی تلاش کردند شرافت نبوت و خلافت را از بنی‌هاشم بگیرند. نواصب و دشمنان اهل بیت و طالبان دنیا و خيله گران اطراف او جمع شده و پایگاهی در «وادى يابس» برای خود برپا می‌کند، سپس از آنجا به سمت «درعا» و «حوران» و «دمشق» و عراق و حجاز حرکت می‌کند و شعارهایی فریبنده مثل: وحدت اعراب و اتحاد مسلمانان سر می‌دهد، و برای این که با اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام به معارضه برخاسته و مانع تحقق اهداف آنها گردد تصمیم به تشکیل امپراطوری اموی می‌گیرد. او با زمان مسابقه می‌دهد با این امید که بر حوادث پیشی گیرد و در حالی با مهدی مواجه شود که از دولتی مستقر برخوردار است و به این طریق حرکت مهدی را در نطفه خفه کند.

مرحله ششم: بیعت یاران امام مهدی و ظهور آن حضرت

در ایامی که لشکر سفیانی برای گسترش نفوذ خود در سرزمین‌های عربی و اسلامی درگیر جنگ‌ها و نبردهای متعددی می‌شود، و سرزمین حجاز - به سبب بحرانی که دامن‌گیر نظام حاکم بر آن منطقه است - در حالت ضعف و سستی و نابسامانی به سر می‌برد، و در یک

شب فرخنده، بین رکن و مقام، یا بین زمزم و مقام ابراهیم، امام مهدی علیه السلام با ۳۱۳ نفر بیعت می‌کند، و امام مهدی دستور خداوند به ظهور را دریافت می‌کند، و ظهور آغاز می‌گردد، و در پی آن، نشانه‌ها و معجزات و علائم هم زمان با ظهور هم شروع می‌شود. ظرف مدت محدودی حاکمیت امام مهدی بر تمام منطقه مکه گسترش یافته و مردم آن دیار با او بیعت می‌کنند، و ده هزار مرد جنگی از آنها به لشکر او ملحق می‌شوند.

سپس یکی از یاران خود را به حکومت مکه منصوب کرده و خود به سمت مدینه حرکت می‌کند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «قائم در مکه بر کتاب خداوند و سنت پیامبر بیعت می‌گیرد، و کسی را بر مکه گماشته و به سوی مدینه می‌رود، که خبر می‌رسد کارگزار او در مکه کشته شده است، آن حضرت به سوی آنها بازگشته، قاتلان را می‌کشد و جز این نمی‌کند».^(۱) سپس حرکت می‌کند و بین دو مسجد مردم را به کتاب خداوند و سنت پیامبر و ولایت علی بن ابی طالب و برائت از دشمن آن حضرت دعوت می‌کند (حدیث ۸۳۴)^(۲)، و حاکمیت خود را به مدینه منوره توسعه داده و مردم مدینه با او بیعت می‌کنند. آن حضرت فردی را در مدینه منصوب کرده و متوجه عراق می‌شود. وقتی که مهدی در مسیر عراق در حرکت است سفیانی مکتوبی برای اهل مدینه می‌نویسد و تهدید می‌کند که اگر نماینده و والی امام مهدی را نکشند همه جنگجویان آنها را کشته و فرزندان آنها را اسیر می‌کنم، و مردم مدینه نیز نماینده امام را به قتل می‌رسانند. این خبر به امام می‌رسد و به سوی مدینه برگشته و آنقدر از قریش می‌کشد که جز تعداد اندکی از آنها باقی نمی‌ماند (حدیث ۸۳۵)^(۳) و امور مدینه را سامان می‌دهد و نیروها

۱. بیایع القائم بمكة على كتاب الله وسنة رسوله، ويستعمل على مكة، ثم يسير نحو المدينة فيبلغه أن عاملة على مكة قد قتل، فيرجع إليهم، فيقتل المقاتلة ولا يزيد على ذلك.

۲. بیایع القائم بمكة على كتاب الله وسنة رسوله، ويستعمل على مكة، ثم يسير نحو المدينة فيبلغه أن عاملة قتل، فيرجع إليهم فيقتل المقاتلة، ولا يزيد على ذلك، ثم ينطلق فيدعو الناس بين المسجدين إلى كتاب الله وسنة رسوله والولاية لعلي بن أبي طالب والبراءة من عدوه حتى يبلغ البيداء فيخرج إليه جيش السفیانی فيخسف الله بهم.

۳. يخرج إلى المدينة فيقيم بها ما شاء، ثم يخرج إلى الكوفة ويستعمل عليها رجلاً من أصحابه، فإذا نزل الشفرة جاءهم كتاب السفیانی إن لم تقتلوه لأقتلن مقاتليكم ولأسبين ذراريكم، فيقبلون على عاملة فيقتلونها، فيأتيه الخبر فيرجع إليهم فيقتلهم ويقتل قريشاً حتى لا يبقى منهم إلا أكلة كبش.

و امکانات خود را آماده اعزام به کوفه می‌کند.

«خسف»؛ واضح‌ترین علامت ظهور امام مهدی، و قوی‌ترین دلیل بر ظهور

در میان همه مسلمانان عالم این اخبار منتشر می‌شود که امام مهدی ظهور کرده و بین رکن و مقام با او بیعت شده و بر شهر مکه تسلط پیدا کرده و اهل مکه با او بیعت کرده‌اند و لشکری به استعداد ده هزار رزمنده از اصحاب خود و اهل مکه فراهم آورده، و لشکر امام قصد دعوت مردم بین دو مسجد، و سپس حرکت به سوی مدینه - به قصد تسخیر و تسلط بر آن - را دارد.

این اخبار به گوش سفیانی هم می‌رسد و حالت جنون به او دست می‌دهد، و لشکری عظیم از بهترین افراد خود فراهم می‌کند، و فرماندهی لشکر را به یکی از خویشان خود (یک سفیانی دیگر) می‌سپارد و به وی دستور می‌دهد که به سمت مکه رفته و با شدت و قساوت و بدون هیچ‌گونه ترحمی امام مهدی و قیام او را سرکوب و نابود سازد. لشکر سفیانی بدون معطلی به سمت حجاز حرکت می‌کند در حالی که همه مسلمانان متوجه حرکت این لشکر می‌شوند. سپاه سفیانی به سرزمین حجاز می‌رسد، و در حالی که بین خود و پیروزی و از بین بردن امام مهدی فاصله‌ای نمی‌بیند، به امر خداوند زمین، آن لشکر را در خود فرو می‌برد و از آن لشکر جز دو نفر نجات پیدا نمی‌کنند؛ یکی از آنها واقعه فرو رفتن لشکر در زمین را بشارت می‌دهد و نفر دوم اخبار حادثه را به گوش سفیانی می‌رساند.

در این هنگام است که مسلمانان یقین به ظهور امام مهدی پیدا می‌کنند و این که سفیانی همان دشمن خدا است که رسول خدا مردم را از او برحذر داشته بود، و به دنبال آن، عواطف دینی آنها به سوی امام مهدی سرازیر می‌شود. پس «خسف» نشانه‌ای از ظهور است که همه مردم - عوام و خواص - آن را می‌دانند، و سفیانی هم نشانه دیگر ظهور است.

به سبب واقعه «خسف»، ضربه روحی کشنده‌ای بر سفیانی وارد می‌شود و ستاره اقبال او به سرعت شروع به افول می‌کند و روحیه یاران امام مهدی تقویت می‌گردد و یقین می‌کنند که خدا با آنها است و همه آنچه رسول خدا از غیب خبر داده، بدون هیچ تردیدی از جانب خداوند، و حق است.

مرحله هفتم: حرکت به سمت عراق، و تأسیس پایگاه عملیاتی، و انتخاب کوفه به عنوان پایتخت

بعد از آن که مکه و مدینه و سرزمین‌های مابین آن دو تحت سلطه آن حضرت درآمدند، امام مهدی به سمت عراق، و شهر کوفه حرکت می‌کند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: امام مهدی وارد کوفه می‌شود در حالی که سه پرچم - کنایه از سه گروه و جریان - در آن جا است که با هم اختلاف دارند. آن‌ها اختلافات را کنار می‌گذارند و تابع امام می‌شوند. امام، منبر می‌رود و خطبه می‌خواند و مردم از شدت گریه متوجه حرف‌های ایشان نمی‌شوند (حدیث ۸۳۸).^(۱)

همچنین از امام باقر علیه السلام روایت شده: گویا قائم را در منطقه نجف کوفه می‌بینم که به همراه پنج هزار فرشته از مکه به سمت کوفه رفته، جبرئیل از جانب راست، و میکائیل از جانب چپ، و مؤمنان روبروی او هستند، و او لشکریان را به سوی شهرها اعزام می‌کند (حدیث ۸۳۶)^(۲) و امام باقر علیه السلام در وصف شهر کوفه می‌فرماید: شهر کوفه پایتخت آن حضرت می‌گردد... و از آن دیار، عدل خداوند ظهور می‌کند، و قائم در آن شهر است و استواری و آرامش دنیا بعد از ظهور او است (حدیث ۸۳۹)^(۳) و کوفه منزل انبیا و اوصیا و صالحان است...

چرا امام مهدی عراق را به عنوان پایگاه عملیاتی، و کوفه را به عنوان پایتخت انتخاب می‌کند؟

زیرا: ۱. عراق بزرگ‌ترین محل تجمع شیعیان اهل بیت نبوت است، و یاران و یاوران آن حضرت در آنجا هستند. ۲. عراق، همجوار سرزمین‌های شرقی - فارس و اطراف آن - است، همان شهرهایی که نخبگان از شیعیان اهل بیت را در بردارد. ۳. حاکمیت ایران عصر ظهور در

۱. یدخل الکوفة وبها ثلاث اریات قد اضطربت فتصفو له، ویدخل حتی یأتی المنبر فیخطب فلا یدری الناس ما یقول من البکاء!

۲. کأنتی بالقائم علی نجف الکوفة قد سار إليها من مکه فی خمسة آلاف من الملائكة جبرئیل عن یمنه، ومیکائیل عن شماله والمؤمنون بین یدیه وهو یفرق الجنود فی البلاد.

۳. قال أبی جعفر علیه السلام: الکوفة هی الزکیة الطاهرة... فیها مسجد سهیل الذی لم یبعث الله نبیاً إلا وقد صلّی فیهِ، ومنها ینظر عدل الله، و فیها ینزل قائم القوام من بعده.

اختیار موالیان و دوستان اهل بیت نبوت، و لشکریانی است که خود را برای اطاعت از امام مهدی آماده کرده‌اند؛ یعنی همان حاملان پرچم‌های سیاه ۴. کوفه پایتخت پدرش (امام علی علیه السلام) بوده که شاهد پیروزی‌ها و شکست‌های دوران آن حضرت بوده، و امام مهدی اراده کرده که همان شهر شاهد پیروزی بزرگ حق و هزیمت همیشگی باطل باشد.

آنگاه امام مهدی اقدامات خود را با الهامات و عنایات الهی و آنچه از رسول خدا به او رسیده، آغاز می‌کند.

مرحله هشتم: پایگاه عملیاتی امام مهدی و فرماندهی عملیات نظامی آن حضرت

از احادیث نبوی و روایات امامان اهل بیت نبوت چنین فهمیده می‌شود که امام مهدی شهر کوفه را به عنوان پایگاه خود برمی‌گزیند و تحرکات نظامی را از آنجا سامان داده و فرماندهی و هدایت عملیات نظامی را از آن محل انجام می‌دهد، لشکریان از کوفه به نقاط مختلف اعزام می‌شوند، و فرامین حضرت به یارانش در شهرها از کوفه صادر می‌شود.

پایان کار سفیانی و تشکیلات او

احادیث، دلالت بر این دارند که سفیانی برای تسلط بر همه سرزمین‌های عربی و اسلامی و برپایی امپراطوری اموی برنامه‌ریزی می‌کند، و تمام ظرفیت و امکانات خود را برای شکست و نابودی قیام امام مهدی به کار می‌گیرد. و در همین راستا و برای تحقق این آرزو، نیروهای اطلاعاتی و عملیاتی خود را روانه فلسطین و اردن و سوریه و عراق و جزیره می‌کند، و بین آنها و ترک‌ها درگیری نظامی روی می‌دهد، و ایرانیان را تهدید می‌کند که اگر مطیع او نشدند به جنگ آنها خواهد شتافت!

و وقتی سفیانی از ظهور امام مهدی و بیعت اهل مکه و عزم مهدی بر حرکت به سمت مدینه - و از آنجا به عراق - مطلع می‌شود، دیوانه‌وار به تجهیز لشکر بزرگی از زبده‌ترین افراد خود دست می‌زند و فرمان حمله به حجاز و نابودی قیام مهدی را صادر می‌کند، اما خداوند - چنان که گذشت - این سپاه عظیم را به زمین فرو می‌برد و جز دو نفر از آنها باقی نمی‌گذارد، و این واقعه، ضربه روحی شدیدی بر سفیانی وارد کرده، و عملاً پشت او را شکسته و پایان سرنوشت او را رقم می‌زند، و لشکریان او شروع به عقب‌نشینی می‌کنند، و ارتباط عده‌ای از

آنها با مرکز فرماندهی شان قطع می‌گردد و نیروهای آنها تجزیه و از هم پاشیده می‌شود، و روحیه سپاهیان به کلی از بین می‌رود، و در همان وقت، نیروها و یاران امام مهدی بقایای لشکریان سفیانی را تار و مار می‌کنند.

بر اساس احادیث، سفیانی رهبری بیش از یک لشکر از لشکرهاى خود را به امویین (سفیانیان) واگذار می‌کند، و مردم اصطلاح سفیانی را برای هر یک از فرماندهان این لشکرها به کار می‌برند، اما فرماندهان امویان در نهایت امر، تابع و مطیع کسی هستند که بزرگ و شخص اصلی این طایفه و وارث نسل امویان است، و همو معروف به سفیانی، و شخص مورد نظر در احادیث نبوی و احادیث امامان اهل بیت نبوت است، که دلالت بر این دارند که امام مهدی و یارانش قیام سفیانی و یارانش را شکست می‌دهند و خود سفیانی با امام مهدی بیعت می‌کند، و سپس بیعت خود را شکسته، و امام مهدی او را به قتل می‌رساند (حدیث ۳۴۶، ۳۵۰، ۲).

احادیث نبوی و احادیث امامان اهل بیت نبوت بیانگر آن هستند که امام مهدی بعد از نابودی قیام سفیانی و همزمان با آن، عملیات نظامی خود را پی گرفته و همه پایگاه‌های جهل و گمراهی در مشرق زمین - به ویژه بلاد اسلامی - را فتح می‌کند و سرزمین‌های اسلامی را از لوٹ و جود دشمنان خدا و سران گمراهی و ضلالت پاک می‌کند (حدیث ۷۹، ۳، ۳۴۰، ۴).

۱. إذا سمع العائد الذى بمكة بالخسف خرج مع اثني عشر ألف فيهم الابدال حتى ينزلوا إيليا، فيقول الذى بعث الجيش حين يبلغه الخبر بإيليا: لعمر الله لقد جعل الله فى هذا الرجل عبرة، بعثت إليه ما بعث فساخروا فى الأرض إن هذا لعبرة وبصيرة ويؤدى إليه السفىانى الطاعة، ثم يخرج حتى يلقى كلباً وهم أخواله فيعبرونه بما صنع ويقولون: كساك الله قميصاً فخلعته، فيقول: ما ترون أستقبله البيعة؟ فيقولون: نعم. فيأتيه إلى إيليا فيقول: ألقنى، فيقول: إني غير فاعل، فيقول: بلى، فيقول له أتحب أن أقتلك فيقول: نعم، فيقبله، ثم يقول: هذا رجل قد خلع طاعتي فيأمر به عند ذلك فيذبح على بلاطة إيليا.
۲. وأخذ الصخرى فيذبح على الصفا المعترضة على وجه الأرض عند الكنيسة التى فى بطن الوادى على طرف درج طور زيتا القطرة التى على يمين الوادى على الصفا المعترضة على وجه الأرض، عليها يذبح كما تذبح الشاة، فالخائب من خاب يوم كلب حتى تباع الجارية العذراء بشمانية دراهم.
۳. فيبعث الله عند ذلك منهما من يفتح حصون الضلالة وقلوباً غلفاً يقوم بالدين فى آخر الزمان كما قمت به فى آخر الزمان ويملاً الأرض عدلاً كما ملئت جوراً.
۴. فيظهر على كل جبار وابن جبار، ويظهر من العدل ما يتمنى له الأحياء أمواتهم.

۴۷۹ (۱)، ۲۳۸ (۲). و اولین پرچم سپاه مهدی به سمت تُرک‌ها روانه می‌شود. و (از احادیث) کاملاً واضح است که امام مهدی موفق به یکپارچه سازی بلاد اسلامی و تسلط بر همه آن سرزمین‌ها می‌شود، و ظرف مدتی که مشغول به این امر است پیمانی برای ترک منخاصمه با روم می‌بندد که چند سال - یا تمام مدتی که مشغول پاکسازی کشورهای اسلامی و تسلط بر آنهاست - ادامه پیدا می‌کند. امام مهدی تلاش خود را برای استمرار این عهدنامه به کار می‌برد و ابتدا، نقض آتش‌بس و شکستن پیمان توسط روم را هم نادیده می‌گیرد، زیرا در آن برهه همه توجه حضر تمعطوف به یکپارچه سازی سرزمین‌های اسلامی است؛ قبل از این که وارد نبری گسترده با رومیان شود.

از احادیث و روایات متعددی برداشت می‌شود که امام مهدی قبل از شروع درگیری‌های گسترده با اهل روم، موفق به ایجاد اتحاد امت اسلامی می‌شود، و این روایات حکایت از آن دارند که امام مهدی در این مرحله قدرت یگانه در عالم اسلام است، و نفوذ او در عراق و جزیره و شام و فلسطین و اردن و ایران و یمن گسترده است و به عنوان یگانه حاکم در آن مناطق تصرف می‌کند (رک: عصر الظهور، ص ۲۰۷ به بعد)، و برخورد خصمانه‌ای که پس از آن نسبت به رومیان از خود نشان می‌دهد به سبب جنگ گسترده‌ای است که رومیان علیه جهان اسلام ترتیب می‌دهند؛ بعد از آن که متوجه دامنه خطرات و تهدیداتی می‌شوند که از سوی دولت امام مهدی، کیان نظام‌های حکومتی مسلط بر مغرب زمین را تهدید می‌کند.

تلاش امام مهدی علیه السلام برای اجتناب از مواجهه و درگیری با غرب

امام مهدی علیه السلام بعد از متحد ساختن عالم اسلام و نابودی حاکمان ستمگر، و چیره شدن بر دژهای تاریکی در عالم اسلام، برای مواجهه با غرب و فتح سنگرهای ضلالت و گمراهی، و نابودی حاکمان ظالم و حکومت ظلمت و سیاهی، و انتشار اسلام در مغرب زمین خود را آماده می‌کند.

چنین برداشت می‌شود که برنامه امام مهدی در این راستا، متمرکز بر فاصله انداختن بین

۱. ... آخرهم القائم الذی یقوم بعد غیبه فیقتل الدجال، ویطهر الأرض من کل جور وظلم.

۲. المنصور مهدی یصلی علیه أهل السماء والأرض و طیر السماء.

ستمگران و مردم آن دیار است و این که به توده مردم بفهماند که به مصلحت آنها نیست که وارد جنگ با امام مهدی شوند، زیرا رسالت او این است که جهان را از قبضه ظالمان ستمگر نجات داده، و زمین را از وجود آنها پاک کند، و خداوند و مهدی و همه ملت‌های مظلوم در جبهه واحدی علیه ظالمان قرار دارند.

و به همین دلیل و در راستای این هدف، و به عنایت الهی امام مهدی «تابوت سکینه» را از دریاچه طبرستان بیرون می‌آورد، و نسخه‌های اصلی تورات و انجیل را آشکار می‌سازد، و به کمک همه وسائل تبلیغاتی و ارتباط جمعی، در اختیار داشتن این دلایل محسوس و قاطع و براهین آشکار را به جهانیان اعلام می‌کند. همچنین عصای موسی، و همه آیات و معجزاتی را که خداوند به او اختصاص داده، آشکار می‌کند، و به این افتخار می‌کند که عیسی بن مریم وزیر و تابع او است و پشت سر او نماز می‌خواند. امام مهدی تلاش می‌کند باب گفتگو با جهان غرب را بگشاید، و تا آنجا که می‌تواند از جنگ پرهیز کند؛ به این امید که ملت‌های غربی از وقوع جنگی که همه هستی آنها را نابود می‌کند پرهیزند (ر.ک: احادیث استخراج تابوت سکینه و تورات و انجیل: ۲۰۳، ۱۱۲، ۲۲۶، ۲۲۵، ۳، ۲۲۷، ۴).

به همین نیت خیرخواهانه، امام مهدی چندین قرارداد آتش‌بس با آنها منعقد می‌کند و موارد نقض آتش‌بس را نادیده می‌گیرد، و مبادلات تجاری بین دولت امام مهدی و سایر کشورهای غربی صورت می‌گیرد، به طوری که تاجران مسلمان و غربی به بلاد همدیگر رفت و آمد می‌کنند، و امام مهدی تلاش می‌کند باب گفتگو بین شرق و غرب را بگشاید و

۱. بلغنی أنه علی یدی المهدی يظهر تابوت السکینه من بحیره الطبریة حتى یحمل فیوضع بین یدیہ بیت المقدس فإذا نظرت إلیه اليهود أسلمت إلاً قلیلاً منهم.

۲. إنما سمی المهدی لأنه یهدی لأمر قد خفی یتخرج التابوت من أرض یقال لها أنطاکیة.

۳. المهدی یبعث بقتال الروم، یعطی فقه عشرة، یتخرج تابوت السکینه من غار بأنطاکیة، فیہ التوراة التي أنزل الله تعالی علی موسی علیه السلام، والإنجیل الذی أنزل الله عز وجل علی عیسی علیه السلام، یحکم بین أهل التوراة بتوراتهم، و بین أهل الإنجیل بإنجیلهم.

۴. تلك أنطاکیة، أما (إن) فی غار من غیر آنها رضاضا من ألواح موسی، وما من سحابة شرقیة ولا غربیة تمر بها إلاً ألقّت علیها من برکاتها، ولن تذهب الأيام واللیالی حتی یسکنها رجل من أهل بیتی یملؤها عدلاً وقسطاً، كما ملئت جوراً وظلماً.

حالت آتش بس را با هدف دستیابی به صلح و آرامش مورد نظر استمرار بخشد.

رویارویی نظامی با غرب

امام مهدی با غربیان قرارداد آتش بس منعقد می‌کند (حدیث ۲۲۱)^(۱). اما آن را نقض می‌کنند، پس از آن چهار قرارداد آتش بس منعقد می‌کند اما این قراردادها را هم نقض می‌کنند (حدیث ۲۲۲)^(۲). امام مهدی مدت ده سال را به این منوال می‌گذارد (حدیث ۲۲۳)^(۳) و ۲۲۴^(۴). اما رهبران غربی این تمایل امام مهدی به اجتناب از مواجهه نظامی به غلط تفسیر می‌کنند، یا اینکه مقصود امام را می‌دانند، اما به توان و قدرت بالای او در تأثیرگذاری بر ملت‌های غربی، و استحکام منطق او و تأثیر دلایل محسوسی را که همراه دارد - مثل تابوت و تورات و انجیل و عصای موسی - پی برده، و متوجه اثر کوبنده‌ای که حضور مسیح بن مریم در کنار او دارد، می‌شوند، و به همین جهت رهبران گمراه و باطل غربی همه اختلافات درون خود را به فراموشی می‌سپارند، و نیروهای خود را متحد کرده، و فرماندهی آنها را به یکی از رهبران خود می‌سپارند، و بر جنگی همه جانبه و گسترده علیه امام مهدی متفق می‌شوند، و از فرصت آتش بس موجود میان خود و آن حضرت برای تکمیل توان نظامی خود بهره‌برداری می‌کنند. و بر اساس احادیث، سران گمراه غرب لشکری به استعداد ۹۶۰ هزار جنگجو و ۸۰۰ کشتی جنگی فراهم می‌کنند (حدیث ۲۲۳)^(۵) و ۲۳۲^(۶).

همچنین بر اساس احادیث، سپاهیان دو طرف در سرزمین افریقا با هم روبرو

۱... والسادة هدنة بينكم وبين بنى الأصفر.

۲. سيكون بينكم وبين الروم أربع هدن، يوم الرابعة على يد رجل من أهل هرقل يدوم سبع سنين.

۳. تصالحون الروم عشر سنين صلحاً آمناً يفون لكم سنتين ويغدرون فى الثالثة أو يفون أربعاً ويغدرون فى الخامسة، فينزل جيش منكم فى مدينتهم، فتنفرون أنتم وهم إلى عدو من ورائهم فيفتح الله لكم، فتصرون (فتسرون) بما أصبتم من أجر وغنيمة.

۴. يكون بين المهدي وبين طاغية الروم صلح بعد قتله السفينى ونهب كلب، حتى يختلف تجاركم إليهم وتجارهم إليكم، ويأخذون فى صنعة سفنهم ثلث سنين....

۵. فيجمع لكم حمل امرأة، ثم يأتيكم تحت ثمانين غاية، تحت كل غاية اثنا عشر ألفاً.

۶. تقبل الروم فى ثمان مائة سفينة فيقاتلونك على هذه الرملة.

می شوند (حدیث ۲۳۲^(۱)). و وضعیت جنگ به نفع امام مهدی و یارانش پیش می رود، و فرماندهان لشکر غرب برای تنظیم و تجدید قوا عقب نشینی می کنند، سپس از جایی که کشتی های جنگی روم از صور به سوی عکا روی می آورند، و در این هنگام، جنگ ها و کشتارهای سخت آغاز می شود (حدیث ۲۲۴^(۲)). و چنین برمی آید که مسیحیان منطقه به اهمیت خطر امام مهدی پی برده و بین رهبران آنها و فرماندهان لشکریان غربی تماس هایی برقرار می شود، و مسیحیان به کمک لشکرهای جنگی غرب می شتابند (حدیث ۲۳۵^(۳)).

نبرد هولناک و خونین میان امام مهدی و لشکر او با اهل روم و ترک و یهود

از احادیث چنین برمی آید که فرماندهان غربی با ترک ها و یهودیان بر ضد امام مهدی هم پیمان می شوند (حدیث ۲۱۵^(۴)، ۲۱۶^(۵)، ۲۱۷^(۶)). و نیروهای ائتلاف در چند موضع مستقر شده و از چند محور با مسلمانان درگیر می شوند؛ به این امید که سپاه اسلام را مجبور به تقسیم و پراکندگی کنند، و چنین برمی آید که نیروهای ائتلاف، چنان لشکری فراهم می کنند که اهل مشرق در تاریخ حیات خود نظیر آن را ندیده است. از پیامبر ﷺ روایت شده: ... سپس با هشتاد پرچم - یعنی لشکر هشتاد دولت - به سوی شما حمله ور می شوند، در زیر پرچم هر

۱. لیکونن لکم من عدوکم بهذه الرملة رملة إفريقية يوم، تقل الروم فی ثمان مائة سفينة فيقاتلونکم علی هذه الرملة، ثم يهزمهم (الله) فتأخذون سفنهم فتركبوا بها إلی رومية فإذا أتيتموها کبرتم ثلاث تکبيرات، ويرتج الحصن من تکبيرهم فينهار فی الثالثة قدر ميل، فتدخلونها فيرسل الله عليهم غمامة تغشاهم فلا تنهتکم حتی تدخلوها، فلا تنجلی تلك الغبرة حتی تكونوا علی فرشهم.
۲. يكون بين المهدي وبين طاعة الروم صلح بعد قتله السفیانی ونهب کلب، حتی یختلف تجارکم إلیهم وتجارهم إلیکم، ویأخذون فی صنعة سفنهم ثلث سنين، ثم یهلك المهدي فیملك رجل من أهل بيته یعدل قليلاً ثم یجور فيقتل قتلاً، ولا ينظفي ذکره حتی ترسی الروم فيما بين صور إلی عکا فهی الملاحم.
۳. فيخرجون علیکم فی ثمانی غياية تحت کل غياية اثنا عشر ألفاً حتى یحلوا بعمق أنطاكية فلا یبقی بالحيرة ولا بالشام نصرانی إلاً رفع الصليب، وقال: ألا من كان بأرض نصرانية فلينصرها اليوم فیسیر إمامکم.
۴. تخرج الروم فی الملحمة العظمی، ومعهم الترك، وبرجان، والصقالبه.
۵. کأني بالترك علی براذین مخذمة الاذان، حتی یربطوها بشط الفرات!
۶. إذا ظهر الترك والخزر بالجزيرة وأذربيجان، والروم بالعمق وأطرافها، قاتل الروم رجل من قيس من أهل قنسرین، والسفیانی بالعراق یقاتل أهل المشرق، وقد اشتغل کل ناحية بعدو....

دولتی دوازده هزار نفر می‌باشد (حدیث ۲۲۳^(۱)).

و بر اساس احادیث، نیروهای ائتلاف، مصمم بر شکست دادن امام مهدی و سپاه او هستند، زیرا دستورات داده شده به فرماندهان این نیروها - مبنی بر اقدام به سوزاندن مرکب‌ها و کشتی‌ها بعد از لنگر انداختن در ساحل شام - به نیروهای ائتلاف این مطلب را تفهیم می‌کند که در این جنگ باید از جان خود دفاع کنند و چاره‌ای جز پایداری و استقامت تا آخرین قطره خون در جنگ ندارند (حدیث ۲۳۶^(۲)).

نیروهای ائتلاف موفقیت‌هایی کسب کرده و بر اکثر نواحی شام - اعم از خشکی و دریا - مسلط می‌شوند، و بیت المقدس را ویران می‌کنند، و از سرزمین شام جز شهر دمشق و «مقسق» - کوهی در بلاد شام - در اختیار سپاه اسلام باقی نمی‌ماند (همان)^(۳).

در این هنگام، بر اساس احادیث، امام مهدی از کارگزاران خود در سایر بلاد اسلامی کمک می‌طلبد، و ارسال این کمک‌ها آغاز می‌شود، (و به عنوان مثال) از یمن هفتاد هزار جنگجو می‌رسد.

امام مهدی بعد از آن که مطمئن شد نیروهای اصلی قوای ائتلاف در شام مستقر هستند، بخش اعظم نفرات و تجهیزات سپاه را در این جبهه متمرکز می‌کند، و از احادیث برمی‌آید که فرماندهی میدانی امام مهدی در انطاکیه مستقر شده و نبرد اصلی و بزرگ میان دو طرف در آنجا روی می‌دهد. در این نبرد هولناک سی هزار تن از سپاه اسلام به شهادت می‌رسد که هفتاد تن از آنها از اولیاء الله هستند. شدت درگیری به گونه‌ای است که از هر دو طرف خون جاری می‌شود به طوری که اسباب در خون فرو می‌روند (حدیث ۲۳۵^(۴)). خداوند خشم و غضب خود را بر اهل روم نازل می‌کند و با تحمل خسارات فراوان و ادار به هزیمتی مصیبت‌بار

۱. فیجمع لکم حمل امرأة ثم یأتیکم فی ثمانین غایة تحت کل غایة اثنا عشر ألفاً.

۲. و یقول لهم صاحبهم: إذا رسیدم بسواحل الشام فأحرقوا المراكب، لتقاتلو عن أنفسکم.

۳. فیفعلون ذلك و یأخذون أرض الشام کلها برها و یجرها ما خلا مدینة دمشق و المعتقد، و یخربون بیت المقدس... قلت: وما المعتقد یا نبی الله؟ قال: جبل بأرض الشام من حمص علی نهر یقال له الأرنت.

۴. فتقتلونهم مقتلة حتی یخوض الخیل فی الدم؛ فعند ذلك یغضب الله تبارک و تعالی عنهم فیطعن بالرمح النافذ، و یضرب بالسيف الفاطع.

می‌شوند.

بر اساس روایات، این نبرد هولناک و آثار و عواقب آن، کمر رومیان و متحدان روم رامی شکند، زیرا آنها وقتی برای حمله به بلاد اسلام و ورود به این نبرد هولناک مصمم شدند برای اطمینان از پیروزی، همه دار و ندار خود را بسیج کرده و هر فردی را که قادر بر حمل سلاح بود فرا خواندند، و سرزمین‌های خود را بدون محافظ رها کردند.

رومیان در این نبرد تاریخی نزدیک به ششصد هزار جنگجو - بدون محاسبه مجروحان و مفقودان - را از دست می‌دهند. بر اساس اخبار، امام مهدی از ضعف وضعیت نظامی دشمن - بعد از تحمل آن همه خسارت - مطلع می‌شود و از همین رو به فاصله کمی بعد از این نبرد هولناک، هزار و پانصد مرکب را تجهیز می‌کند تا با سپاهی متشکل از چهار لشکر - لشکر اهالی شرق، لشکر اهالی مغرب، لشکر شام و لشکر حجاز - به قصد حمله به بلاد غرب - که اکنون بدون محافظ مانده - رهسپار شوند.

بر اساس احادیث، این سپاه اعزامی به سبب برخورداری از یقین بالا و سختی‌هایی که دیده‌اند، کاملاً آبدیده شده و صیقلی یافته‌اند، به طوری که در روایات، چنین توصیف شده‌اند: محکم و به هم پیوسته، و مؤمن و یاور همدیگر هستند، همچون فرزندان از پدر واحد هستند، خداوند کینه و بغض را از آنها زدوده است.

این سپاه از «عکا» به سمت «رومیه» حرکت می‌کند، و خداوند باد را مستخر آنها می‌گرداند همچنان که به تسخیر حضرت سلیمان درآورد.

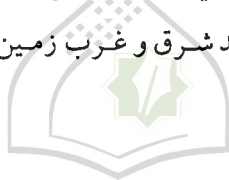
احادیث نبوی تأکید دارند که این سپاه، همه کشورهای غربی را فتح می‌کند، تا به شهری وارد می‌شوند که به آن قاطع می‌گویند در کنار دریای سبز که دنیا را احاطه کرده است و پشت او بجز امر خداوند متعال چیزی نیست (حدیث ۱۲۸)^(۱). و احادیث، بر خصوص فتح قسطنطنیه تمرکز دارند (حدیث ۴۱۴^(۲)، ۴۰۸^(۳)) و چین و کوه‌های دیلم هم فتح

۱. لیستخرجن المهدی ذلك حتى یرده الی بیت المقدس، ثم یسیر ومن معه حتی یأتون (کذا) خلف الرومیه، مدینه فیها مائة سوق فی کل سوق مائة ألف سوق فیفتحونها، ثم یسیرون حتی یأتون مدینه یقال لها قاطع علی البحر الأخضر المحدق بالدنیا، لیس خلفه إلا أمر الله.

۲. عمران بیت المقدس خراب یثرب و خراب یثرب خروج الملحة و خروج الملحة فتح القسطنطنیه.

می شود (حدیث ۶۶۳) (۴) و از هیچ دژ و سنگری عبور نمی کنند مگر این که آن را فتح می کنند (حدیث ۶۶۱) (۵).

سربازان امام مهدی عج متوقف نمی شوند مگر بعد از تسلط بر همه شرق و غرب دنیا
 احادیث نبوی تأکید دارند که امام مهدی شمشیر خود را حمل کرده و بر زمین نمی گذارد تا وقتی که بر عرب مسلط شود (حدیث ۶۸) (۶)، و شرق و غرب عالم را فتح کند: «ما بین مشرق و مغرب برای او گشوده می شود» (حدیث ۱۲۷) (۷). خداوند به دست او شرق و غرب عالم را می گشاید (حدیث ۱۵۵) (۸) و به مغرب و مشرق می رسد (حدیث ۱۵۸) (۹)، و بر روی زمین کسی باقی نمی ماند مگر این که بانگ لا اله الا الله سر می دهد (حدیث ۳۰۹) (۱۰)، و بین اهل مشرق و مغرب حکومت می کند (حدیث ۳۶۱) (۱۱)، و حکومت مهدی همه عالم را فرا می گیرد (حدیث ۸۵۸) (۱۲)، و خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید (حدیث ۸۵۹) (۱۳).



۳. مدینه این هرقل تفتح أولاً یعنی القسطنطنية.
۴. ولا يترك بدعة إلا أزالها، ولا سنة إلا أقامها، ويفتح قسطنطنية والصين وجمال الديلم.
۵. ثم يسير ومن من المسلمين لا يمرون على حصن ببلد الروم إلا قالوا عليه لا إله إلا الله فتساقط حيطانه.
۶. لا تنقضي الأيام ولا يذهب الدهر حتى يملك العرب رجل من أهل بيتي.
۷. ويفتح له ما بين المشرق والمغرب.
۸. الأئمة بعدى اثني عشر أولهم أنت يا على وآخرهم القائم الذي يفتح الله على يديه مشارق الأرض ومغاربها.
۹. ... إن الله عز وجل مكن له في الأرض واتاه من كل شيء سبباً وبلغ المشرق والمغرب وإن الله تبارك وتعالى سيجري سنته في القائم من ولدي وبلغته شرق الأرض وغربها حتى لا يبقى سهل ولا موضع من سهل ولا جبل وطنه ذوالقرنين الا وطنه ويظهر الله له كنوز الأرض ومعادنها وينصره بالزعب، يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً.
۱۰. ... يرد الله به الدين ويفتح له فتوح فلا يبقى على وجه الأرض إلا من يقول: لا إله إلا الله.
۱۱. ... ويجمع الكتب من أنطاكية حتى يحكم بين أهل المشرق والمغرب.
۱۲. إذا قام القائم بعث في أقاليم الأرض في كل إقليم رجلاً.
۱۳. يفتح الله له شرق الأرض وغربها ويقتل الناس حتى لا يبقى إلا دين محمد صلى الله عليه وآله يسير بسيرة سليمان بن داود.

فرود آمدن مسیح به زمین

بین مسلمانان در مورد حتمی بودن نزول حضرت عیسی از آسمان، و خواندن نماز پشت سر امام مهدی، و امارت مهدی بر او، و اینکه مسیح یکی از شاخص ترین وزرای مهدی است، اختلافی نیست، اما به طور جزم و یقین نمی دانیم که در کدام یک از مراحل انقلاب مهدی از آسمان فرو می آید و پشت سر امام مهدی علیه السلام نماز می خواند و مهم ترین پست وزارتی را به عهده می گیرد، هر چند این احتمال را مرجح می دانیم که نزول حضرت مسیح، بعد از عقب راندن لشکریان سپاه غرب، و در دوره فترتی باشد که امام مهدی علیه السلام آماده فتح پایگاه ها و سنگرهای ضلالت در جهان غرب می شود، زیرا بعد از آن که نیروی نظامی غرب منهدم شده و اتحاد و ائتلاف سران گمراه غرب از کار می افتد، ضمیر و شعور غربیان آمادگی و قابلیت بیشتری برای شنیدن سخنان امام مهدی علیه السلام پیدا می کند.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی